

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه ساز ظهور مهدی؛ گفته ها و نوشته ها

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: احمد رضا

تاریخ: ۱۳۹۹/۱/۱۸

جناب منصور هاشمی خراسانی در برخی گفتارها و نامه هایشان، از علم و کمالات خویش ستایش کرده اند که با سیره ی مؤمنان در تواضع و اخلاص منافات دارد. آیا ایشان عالم تر از خلفای خداوند هستند و به سرچشمه ی علم الهی اتصال دارند؟ البته در علم وافر ایشان شکی نیست، ولی عقیده دارم که چنین رویکردی، برکت و نصرت خداوند را از زمینه سازان ظهور سلب می کند.

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۹/۱/۲۲

یاد کردن اولیاء خداوند از فضایل شان را نباید حمل بر «خودستایی» کرد. چنین برداشتی، ناشی از کج فهمی و کوتاه بینی است؛ زیرا خودستایی، کار متکبران است و با یکی از دو ویژگی شناخته می شود که هیچ یک در یاد کردن اولیاء خداوند از فضایل شان وجود ندارد: یکم اینکه آمیخته به دروغ و غلو است؛ به این معنا که با حقایق ثابت یا قابل اثبات منافات دارد؛ مانند خودستایی مدعیان دروغین که چیزی جز مهمل گوئی و ادعاهای نامعقول و مخالف شرع درباره ی خودشان نیست و دوم اینکه کاری نابه جا و غیر ضروری است؛ مانند خودستایی حاکمان و عالمانی که از قبول و اقبال عامه برخوردارند و با این وصف، نیازی به یاد کردن از فضایل خود ندارند؛ چنانکه خداوند در کتاب خود به هر دو گروه اشاره کرده و فرموده است: **(لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بِمَقَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)**؛ «گمان نبر کسانی که به آنچه کرده اند شادمانند و دوست می دارند که به آنچه نکرده اند ستایش شوند، پس گمان نبر که آنان از عذاب رهایی می یابند و برایشان عذابی دردناک است»، ولی یاد کردن اولیاء خداوند از فضایل شان، چنین نیست؛ چراکه از یک سو بیان حقایقی ثابت یا قابل اثبات است و از سوی دیگر کاملاً به جا و ضروری است؛ با توجه به اینکه آنان در زمان و مکان خود، «غریب» و «مظلوم» هستند؛ به این معنا که از یک سو با گروهی مواجهند که آنان را نمی شناسند

و از فضایل‌شان آگاهی ندارند و از سوی دیگر گرفتار گروهی هستند که با آنان دشمنند و فضایل‌شان را انکار می‌کنند، در حالی که یاری‌شان به اقتضای حقانیت‌شان بر هر دو گروه واجب است. اینجاست که اولیاء خداوند، چاره‌ای جز ذکر فضایل خود نمی‌یابند، باشد که بی‌خبران آگاهی یابند و دشمنان دست از دشمنی بردارند؛ چنانکه به عنوان نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَلَا فَخْرٌ»؛ «من سرور فرزندان آدمم، بدون خودستایی» و مقصودش آن بود که از بیان این حقیقت، قصد خودستایی ندارم، بلکه می‌خواهم به آن توجه داشته باشید؛ چراکه برخی‌تان از آن غافلید و می‌پندارید که برخی پیامبران گذشته، از من برتر بوده‌اند و علی علیه السلام فرمود: «أَنَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا كَذَّابٌ، صَلَّيْتُ قَبْلَ النَّاسِ بِسَبْعِ سِنِينَ»؛ «من بزرگ‌ترین صدیق هستم و این را کسی بعد از من نمی‌گوید مگر آنکه دروغگو باشد، هفت سال پیش از مردم نماز گزاردم»، در حالی که یقیناً قصد او نیز خودستایی نبود، بل توجه دادن به فضیلتش در زمانی بود که گروهی از آن بی‌خبر بودند و گروهی دیگر آن را انکار می‌کردند؛ همچنانکه در شورای خلافت، به مناشده با دیگران پرداخت و فضایل خود را یادآوری کرد تا بدانند که او از آنان به خلافت سزاوارتر است^۱ و حسین بن علی علیهما السلام در کربلا خطبه‌ای خواند و فرمود: «فَانْظُرُوا مَنْ أَنَا، ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَى أَنْفُسِكُمْ وَعَايِبُوا، فَاَنْظُرُوا هَلْ يَصْلَحُ لَكُمْ قَتْلِي وَإِنْتِهَاكَ حُرْمَتِي؟ أَلَسْتُ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ وَابْنِ وَصِيِّهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَأَوَّلِ الْمُؤْمِنِينَ؟ ... أَوْ لَمْ يَبْلُغْكُمْ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِي وَلَاخِي: هَذَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟! فَإِنْ صَدَقْتُمُونِي بِمَا أَقُولُ وَهُوَ الْحَقُّ، وَاللَّهِ مَا تَعَمَّدْتُ كِذْبًا مُنْذُ عَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ يَمُقُّ عَلَيْهِ أَهْلَهُ، وَإِنْ كَذَبْتُمُونِي فَإِنَّ فِيكُمْ مَنْ لَوْ سَأَلْتُمُوهُ عَنْ ذَلِكَ أَخْبَرَكُمْ، سَلُوا جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ وَأَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيَّ وَسَهْلَ بْنَ سَعْدٍ السَّاعِدِيَّ وَزَيْدَ بْنَ أَزْقَمَ وَأَنَسَ بْنَ مَالِكٍ، يُخْبِرُوكُمْ أَنَّهُمْ سَمِعُوا هَذِهِ الْمَقَالَهَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِي وَلَاخِي، أَمَا فِي هَذَا حَاجِرٌ لَكُمْ عَنْ سَفْكِ دَمِي؟!»؛ «بنگرید که من چه کسی هستم، سپس به خودتان رجوع کنید و از خودتان بپرسید و بنگرید که آیا کشتن من و هتک حرمتم برای شما رواست؟ آیا من پسر دختر پیامبران و پسر وصی او و پسر عمویش که نخستین مؤمن بود، نیستم؟ ... آیا چیزی که رسول خدا درباره‌ی من و برادرم فرمود به شما نرسیده است که فرمود: این دو سید جوانان اهل بهشت هستند؟ پس اگر سخنم که راست است

۱. مسند زید بن علی، ص ۴۷۷؛ مسند أبي داود الطيالسي، ص ۳۵۳؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۲۸۱، ج ۳، ص ۲ و ۱۴۴؛ سنن الدارمی، ج ۱، ص ۲۶ و ۲۷؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۵۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۰؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۷۰، ج ۵، ص ۲۴۵ و ۲۴۷؛ الأمالي لابن بابويه، ص ۲۵۴؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۱، ص ۳۰؛ أمالي الطوسي، ص ۲۷۱

۲. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۷، ص ۴۹۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴؛ السنن الكبرى للنسائي، ج ۵، ص ۱۰۷؛ تاریخ الطبري، ج ۲، ص ۵۶؛ الخصال لابن بابويه، ص ۴۰۲؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۳، ص ۱۱۲

۳. بنگرید به: الغدير للأميني، ج ۱، ص ۱۵۹.

۴. مقتل الحسين لأبي مخنف، ص ۱۱۷؛ تاریخ الطبري، ج ۴، ص ۳۲۲؛ الإرشاد للمفيد، ج ۲، ص ۹۷

را باور می‌کنید، با توجّه به اینکه به خدا سوگند از وقتی دانسته‌ام که خداوند دروغگویان را دشمن می‌دارد عمداً دروغی نگفته‌ام، ولی اگر باور نمی‌کنید، در میان شما کسانی هستند که اگر از آنان بپرسید به شما خبر می‌دهند، از جابر بن عبد الله أنصاری و أبو سعید خدری و سهل بن سعد ساعدي و زید بن أرقم و أنس بن مالك بپرسید تا به شما خبر دهند که این سخن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی من و برادرم شنیده‌اند. آیا این شما را از ریختن خون من باز نمی‌دارد؟!» در حالی که واضح است قصد او نیز خودستایی نبود، بل توجّه دادن به فضیلتش در زمانی بود که کسانی به آن توجّه نداشتند و به رویش شمشیر کشیده بودند، بلکه روایات رسیده از اهل بیت در ذکر فضایل‌شان از حدّ احصا بیرون است و با این وصف، نمی‌توان گفت که ذکر فضایل خود در هر شرایطی، «با سیره‌ی مؤمنان در تواضع و اخلاص منافات دارد»!

از اینجا دانسته می‌شود که قضاوت شما درباره‌ی زمینه‌ساز ظهور امام مهدی علیه السلام علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی که در اوج «غربت» و «مظلومیت» قرار دارد، تا چه اندازه نادرست و غیر منصفانه است؛ همچنانکه دانسته می‌شود عقیده‌ی شما مبنی بر آنکه «چنین رویکردی، برکت و نصرت خداوند را از زمینه‌سازان ظهور سلب می‌کند»، توهّمی بیش نیست؛ چراکه این رویکرد، رویکرد پیامبر، امیر المؤمنین، حسین بن علی و سایر امامان غریب و مظلوم اهل بیت بوده و برکت و نصرت خداوند را از آنان سلب نکرده است. چیزی که برکت و نصرت خداوند را از زمینه‌سازان ظهور سلب می‌کند، کج‌فهمی و کوتاه‌بینی آنان است که دل‌هاشان را بیمار و پاهایشان را سست می‌گرداند، تا پس از هدایت گمراه شوند و اعمال خود را باطل سازند.

امیدواریم که اکنون متوجّه اشتباه خود شده باشید و از قضاوت نادرست و عقیده‌ی بی‌اساس خود استغفار کنید؛ چراکه خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است، ولی کسانی که بر خطای خود پافشاری می‌کنند را بدون مجازات نمی‌گذارد.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی
بخش بهره‌ری‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

